

مشکلات جوانان ایران

تحقیق درباره مشکلات جوانان

ایرانی در سنین ۱۵ تا ۱۸ سالگی

جوانان در دوره دوم متوسطه از

راهنمایی برای انتخاب رشته

تحصیلی و شغلی محرومند

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تغییر دهند و امید زندگی و آینده
بهتری را برای خویش داشته
باشند .

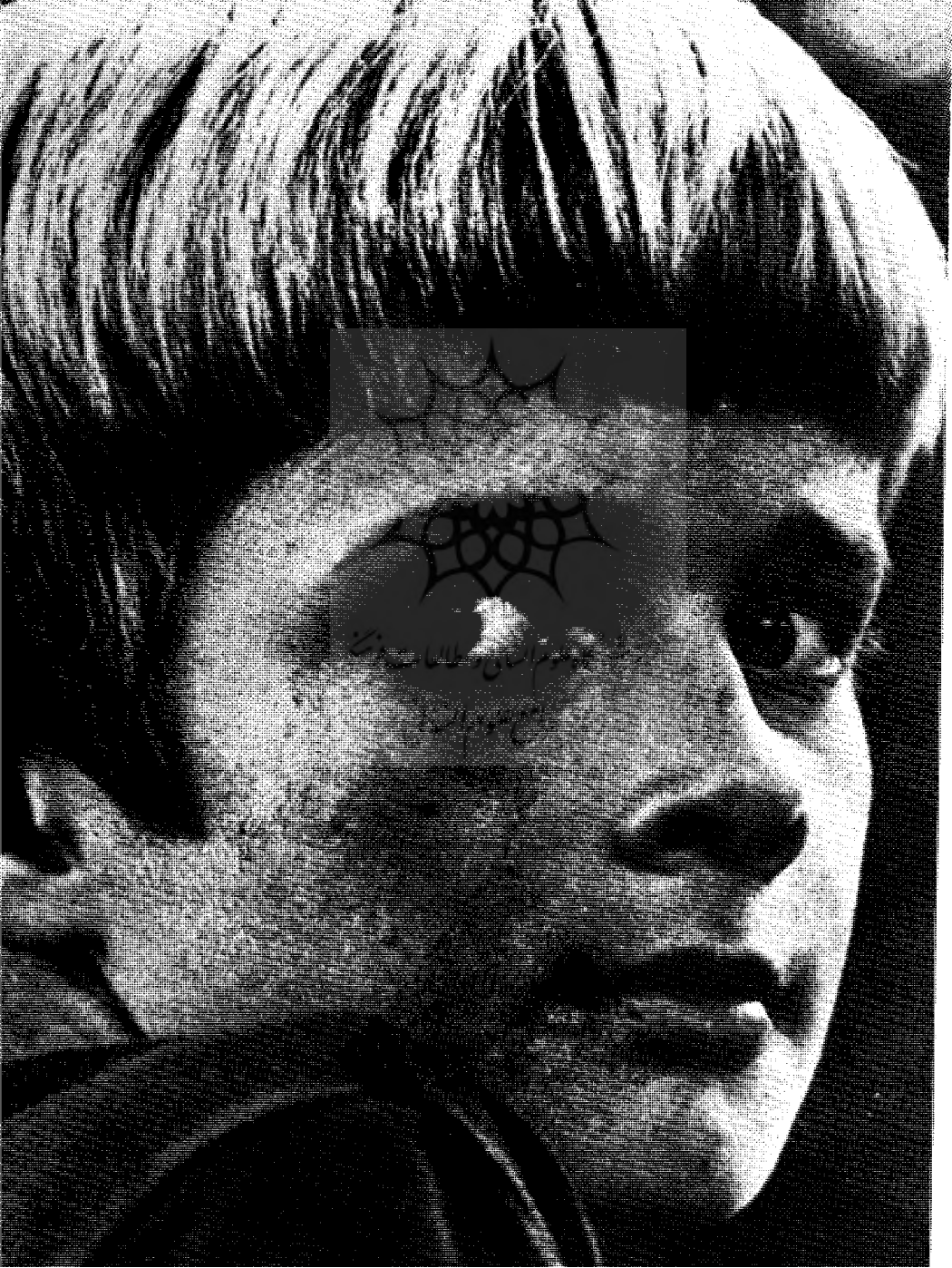
در گذشته فقط عده معدودی
از خانواده‌های ایرانی فرزندان
خود را به مدرسه می‌سپردند و اکثر
جوانان که از خانواده‌های
دخفانان و پیشه‌وران کم مایه بر
می‌خواستند چاره‌ای جز آن نداشتند
که در آغاز جوانی به کار و حرفه
خانوادگی بپردازند و یار و مدد
کار پدران و مادران خود برای
تأمین ماس روزانه باشند و از
سر نوشت مقدر خود، سر نوشتی که
جامعه بر آنها تحمیل کرده بود
بی‌روی کنند. اکنون این وضع در

تا چند سال پیش، یعنی آغاز
تحول اجتماعی و اقتصادی، سر-
نوشته جوانان ایران با منشاء
خانوادگی و اصل و نسب آنان
ارتباط داشت و فرزندان کشاورزان
و کارگران و پیشه‌وران ناگزیر
بودند مشاغل و افزارهای تولیدی
خانوادگی را به حکم سر نوشت
مقدر و غیر قابل تغییر بپذیرند.
بر اساس تغییرات اقتصادی و تحولات
اجتماعی که در سالهای اخیر در
کشور ما پیش آمد وضع دیگرگون
گردید و راههای تازه‌ای در برابر
جوانان ما در روستاها و شهرها
گشوده شد و امکانات تازه‌ای به
آنان داده شد تا وضع خود را

حال تغییر است و جوانان با هر
منشاء خانوادگی و اجتماعی که
داشته باشند میتوانند حاکم بر
سر نوشت خود باشند و با انتخاب
رشته تحصیلی باشغلی که با استعداد
و تواناییهای آنها مناسب باشد
عضو مفید و موثری برای جامعه
ایرانی باشند. مطالعه آمار مدارس
متوسطه ایران بر ماروشن می‌سازد
که تعداد دانش آموزان مدارس
متوسطه ایران در مدت چهل سال
گذشته قریب یکسده و بیست برابر
افزایش یافته و در حال حاضر هر
سال تا حدود شانزده در صد بر
تعداد آنها افزوده میشود.

در سالهای آینده فشار
خانواده‌ها و وزارت آموزش و پرورش
را ناگزیر می‌سازد که عموم جوانان
را با هر نوع استعداد و لیاقتی و
با هر منشاء خانوادگی و طبقاتی
در مدارس متوسطه بپذیرد . در
چنین شرایطی برنامه دوره دوم
متوسطه باید بصورتی متنوع و
انعطاف پذیر باشد که جوانانی که
استعدادهای گوناگون دارند
بتوانند در حد توانایی خود از
آن بهره‌مند شوند .

لطفاً ورق بنویسید



آموزش حرفه‌ای

با گذشت زمان دیری نمیگذرد که تربیت حرفه‌ای که اکنون بمعده اربابان حرف و مشاغل است بمعده مدارس متوسطه محول گردد، زیرا کارگاه‌های خصوصی که نفع آتی خود را در نظر دارند برای تربیت حرفه‌ای انسانی نخواهند کرد. در چنین شرایطی که احتیاجات جامعه ما هر روز بیش از پیش متنوع و متفاوت میگردد. و مدارس متوسطه نه تنها تربیت عقلانی جوانان بلکه تربیت اجتماعی و پرورش حرفه‌ای را نیز بمعده میگیرند، راهنمایی شغلی و تحصیلی یکی از مهمترین مسائل تربیتی جوانان خواهد بود. آنها باید براساس طبایع و استعدادهای گوناگونی که دارند برای انتخاب رشته‌های تحصیلی و حرفه‌ای در دوره دوم متوسطه راهنمایی شوند. مسأله راهنمایی نظر به افزایش تعداد جوانانسی که در معرض راهنمایی هستند و نظر به نوع حوائج اقتصادی کشور هر روز اهمیت بیشتری در جامعه ما پیدا میکند و مشکلات تازه‌ای برای جوانان ایران پیش میآورد. در این تحول سریع اوضاع و احوال و ازهم پاشیدگی روابط اجتماعی و اقتصادی و تغییر ارزشها برای آنکه جوانان ایران بتوانند

سرنوشت خویش را بدست بگیرند، باید سازمان مدارس متوسطه به صورتی تغییر کند که وسائل لازم برای خویشتن شناسی و کشف استعداد و راهنمای تحصیلی و حرفه‌ای را در اختیار جوانان بگذارد.

اکنون هر کشوری در جهان به مقتضای سازمان فرهنگی خود برنامه راهنمایی را با روش خاصی اجرا میکند. با توجه به محدود بودن کار شناسان راهنمایی و بی خبری مدیران و معلمان از این وظیفه اساسی بنظر میرسد که مناسبترین دوره برای اجرای این برنامه دوره دوم متوسطه میباشد. در سازمان مدارس متوسطه ایران باید کارشناسان راهنمایی و هدایت حرفه‌ای با مدیران و معلمان این مدارس همکاری کنند و جوانان ایران را از سرگردانی و بلاتکلیفی برهانند.

مشکل دوم

وود به دانشگاه و

مدارس عالی

اکثر خانواده‌های ایرانی که جوانان خود را به دوره دوم متوسطه میسپارند و مدیران و دبیران این دوره هدف آموزش جوانان را به واسطه درآمد کردن جوانان برای ورود به دانشگاه میدانند.

بررسی محصولی که از

آموزش متوسطه از لحاظ کمی و کیفی بدست میآید نمودار آنست که درین منظور همگی با شکست روبرو شده‌اند.

طبق آمارهای که از طرف وزارت آموزش و پرورش منتشر شده است از تعداد هفتاد هزار نو جوانی که در سال ۱۳۳۵ تحصیلات متوسطه خود را آغاز کرده‌اند در حدود نصف یعنی ۳۳ هزار نفر دوره اول متوسطه را تمام کرده و در حدود سیزده هزار نفر یعنی هجده درصد تحصیلات متوسطه خود را در سال تحصیلی ۴۱-۱۳۴۰ به پایان رسانیده‌اند و از این عده حداکثر شش هزار نفر در مدارس عالی ایران یا خارج از کشور به تحصیل پرداخته‌اند و به این ترتیب فقط در حدود بیست درصد از جوانانی که در دوره دوم متوسطه وارد شده‌اند توفیق ادامه تحصیل در دانشگاه را داشته‌اند. از لحاظ روش و برنامه کار در دوره دوم متوسطه نیز اکثر استادان دانشگاه عقیده دارند که جوانان ایران در دوره دوم متوسطه برای کار و تحقیق دانشگاهی آماده نشده‌اند. طبق تحقیقی که در اداره مطالعات و برنامه‌های وزارت آموزش بعمل آمده است از یک هزار نفر که در سال تحصیلی ۴۱-۱۳۴۰ در سال اول دبیرستان تحصیل میکردند در سال ۱۳۴۳ تعداد ۶۴۷ نفر به دوره دوم

دبیرستان وارد شده‌اند و از این عده فقط ۳۸۳ تن در سال ۱۳۴۶ دوره دوم متوسطه را به پایان رسانده‌اند. چنانکه آمار ورودی دانشگاهها نشان می‌دهد در سالهای اخیر در حدود پنجاه درصد از فارغ التحصیلان متوسطه در هر سال در امتحان ورودی مدارس عالی و دانشگاهها پذیرفته میشوند و بدین ترتیب از هر یکصد نوجوانی که در دوره اول دبیرستان تحصیل میکنند در حدود هشتاد نفر بی آنکه درجه دانشگاهی و مهارتی در کار عملی بدست آورند بکارهای گوناگون اشتغال می‌ورزند.

مطالعه علل افت تحصیلی و نوع مشاغلی که جوانان به علت شکست در امتحانات پایان متوسطه یا ورود بدانشگاهها بدان اشتغال می‌ورزند برای راهنمایی جوانان و رفع نگرانیهای آنان میتواند بسیار مفید باشد.

مشکل سوم

نیازمندیهای عقلانی

و اجتماعی

برنامه و روش تحصیلی معمولی در دوره دوم متوسطه برای رفع نیازمندیهای عقلانی و اجتماعی و اخلاقی جوانان کافی نیست. مطالعه برنامه‌های دوره دوم دبیرستانها و روشهای تدریس در این مرحله تحصیلی نشان میدهد که این برنامه‌ها هیچ یک از استعدادهای جوانان را که برای

افزایش نیروی ابتکار و خلاقیت آنان موثر است شکوفان نمیکنند. از نقایص اصلی برنامه‌های دوره دوم متوسطه یکی آنست که پرورش علمی و فنی در این مرحله از تحصیلات بهیچ وجه مورد نظر نیست و کارشناس و کارگر ماهر و آشنا به روشهای جدید فلاحی و صنعتی در مرحله دوم متوسطه پرورش نمییابد. برنامه دبیرستانها به مواد نظری محدود می‌شود و در قسمت علوم نیز کاربرد آزمایشگاه که مقدمه آشنائی با کارهای علمی و تولیدی است مورد توجه و ارزشیابی قرار نمیگیرد.

دو نیازمندی اساسی جامعه نوین ایران که یکی افزایش تولید کشاورزی و صنعتی و دیگری پرورش حس همکاری و آمادگی برای انجام کارهای گروهی از نظر سیاسی و اقتصادی میباشد از نظر اولیای مدارس متوسطه ایران دور مانده است. مزارع و معادن و صنایع کشور بوسیله کشاورزان و کارگران غیر ماهر که باروش علمی هیچگونه آشنائی ندارند بهره برداری میشود و جوانان مستعد کشور بهترین دوردزدگی جوانی خود را در دوره دوم مدارس متوسطه صرف حفظ کردن کتابهای درسی میکنند.

کار جمعی

تحقیقات روانشناسی ثابت

میکند که جوانان برای پرورش قوای عقلانی خود به یک محیط کار جمعی برای پژوهش و کاوش در مسائل تجربی علمی و به بحث مشترک و گروهی نیازمندند. آنها باید ضمن پرورش علمی و فنی آزادانه مفاهیم و تصورات غلط خود را با کمک آزمایشهای گروهی تصحیح کنند و نتایج علمی را که در کتابهای درسی وجود دارد از نو مانند اختراع جدیدی کشف کنند.

در دوره دوم متوسطه علوم تجربی به صورتی تدریس میشود که جوانان ما تصور میکنند که این علوم حقایق انکارناپذیر است که با کمک یک زبان انتزاعی یعنی روابط ریاضی بیان شده است و آنها تکلیفی جز پذیرفتن و به حافظه سپردن «فرمولها» که جای وردها و اوعیه مذهبی را برای نسل جدید گرفته‌اند ندارند.

رابطه معلم و شاگرد در دبیرستانها بر اساس حاکمیت معلم استوار است. معلم به حاکم مقتدری میماند که تمام حقایق علمی و اخلاقی را در اختیار دارد و گفته‌های او باید سند و قطعیت داشته باشد و هیچ جوانی نباید درباره آنها شک و تردید روا دارد. برای پرورش جوانانی که

در آینده باید از استقلال و آزادی ملت ایران دفاع کنند رابطه معلم و شاگرد در دبیرستانها باید بکلی بقیه در صفحه ۶۰